



بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمع کثیری از مردم آمل - 21 / خرداد / 1377

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام علي سيدنا و نبينا و حبيب قلوبنا ابي القاسم المصطفى محمد و علي آله الأتبيين الأطهرين المنتجبين المعصومين. سيما بقیة الله في الارضين.

خدای بزرگوار و عزیز را سپاسگزارم که این توفیق را عنایت کرد تا بتوانم وعده قبلی خودم را به شما مردم عزیز، مؤمن و انقلابی آمل عمل کنم و به زیارت و دیدار شما به شهر آمل بیایم. خوشحالم از این که در جمع شما مردم مؤمن و خونگرم هستم؛ چه مردم خود شهر و چه کسانی که از روستاها و اطراف، یا از شهرهای دیگر تشریف آورده اند. دغدغه من این بود که نشود این وعده قبلی را انجام کنیم؛ اما خدای متعال متت نهاد و بحمدالله وعده تحقق پیدا کرد.

شهر شما هم در گذشته و هم در دوران انقلاب، شهر درخشانی بوده است؛ تاریخ درخشانی پشت سر این مردم مؤمن و خونگرم است. مردم شهر آمل در گذشته - در دورانی که شمشیر مبارزان در سرتاسر دنیای آن روز پیش می رفت - در مقابل شمشیرها تسلیم نشدند؛ اما پیام حق و حقیقت را از خاندان پیامبر، با عاطفه و محبت و عشقی که به آن خاندان داشتند، دریافت کردند.

این جا جزو معدود مناطقی است که مردم، اسلام را از خاندان پیامبر، بدون واسطه فرا گرفته و آموخته اند. پایگاه ولایت است؛ محل توجه خاندان پیامبر علیهم الصلاة والسلام است. منطقه شما نقطه ای است که قدیمیترین حکومت‌های علوی در آن تشکیل شده است. بزرگان خاندان پیامبر - مثل داعی کبیر و ناصر کبیر و بقیه خاندان حسنیون - و اولاد پیامبر علیهم الصلاة والسلام، با تکیه به مردم این منطقه توانستند پرچم اسلام، پرچم ولایت و پرچم معارف زلال قرآنی را در این منطقه برافرازند و مردم را از این سرچشمه زلال، سیراب کنند. لذا در طول زمان، علمای بزرگ - چه فقها، چه فلاسفه، چه مورخین و چه عرفای نامدار - از این منطقه برخاسته اند.

وقتی که به فهرست کتابخانه‌ها و مفاخر علمی دنیای اسلام و شیعه می نگریم، بارها و بارها نام آمل و نسبت آملی را ملاحظه می کنیم. فقیه، فیلسوف، عارف، شاعر و بزرگانی از این منطقه برخاسته اند که هر کدام از آنها ستاره درخشانی در آسمان معارف و فرهنگ اسلامی هستند. این جا پایگاه فرهنگ اصیل و ریشه دار اسلام و تشیع است. خدا را شکر بر این منطقه این قدر با برکت.

برکات الهی بر شما، در سرسبزی زمین خلاصه نشده است؛ سرسبزی عالم معنا و فکر و ذهن، از این بالاتر است، «والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربّه». امروز هم بحمدالله بزرگانی از این منطقه می درخشند که این دو گوهر درخشان منطقه آمل - حضرت آیه الله حسن زاده و حضرت آیه الله جوادی آملی - نمونه های بارز آنند. بحمدالله فضلا، علما و بزرگانی در این منطقه، خود را توانسته اند بر همه کسانی که مشتاق علم و معرفتند، نشان دهند.

بعد از دوران انقلاب، وقتی کسی نگاه می کند می بیند این منطقه یکی از مناطقی است که توانست حرکت ماندگاری برای تحکیم انقلاب، از خود نشان دهد. قبل از جنگ و در اثنای جنگ، در مقابله با دشمن متجاوز به مرزها، تعداد شهیدان این منطقه و همچنین جانبازان زیاد است. بالاتر از همه اینها در مقابله با ضد انقلاب داخلی که خیال می کرد خواهد توانست علم مخالفت با اسلام و انقلاب اسلامی را در این منطقه به اهتزاز درآورد، شما مردم، شما جوانان و بسیجیان، شما زن و مرد، افراد این شهر و یکایک مردم توانستید شهر خودتان را شهر هزار سنگر کنید. در واقع شهر خودتان را به صورت سنگر اسلام و سنگر انقلاب درآوردید. گوارا باد بر شما این جایگاه مستحکم و این ثبات قدم. آنچه که من به این مناسبت به شما مردم عزیز عرض می کنم، این است که تشکیل حکومتی بر پایه مبانی قرآن، از بعد از صدر اسلام، یک پدیده بی نظیر بود. چنین چیزی را که مسلمین، مشتاق آن هم بودند، هرگز نتوانسته بودند



ببینند و توفیق آن را نیافته بودند. ملت ایران به برکت الطاف خاص الهی و به برکت هدیه بزرگی که خداوند در این زمان به این ملت داد - یعنی وجود آن مرد ملکوتی معنوی الهی، آن فقیه حکیم عارف بالله، آن مؤمن متقی حقیقی، امام خمینی که حقیقتاً هدیه ارزنده و بی نظیری بود که خدا به مردم ایران داد - توانست شاهد تحقق این پدیده در کشور خود باشد.

عزیزان من! اگر تشکیل حکومت اسلامی از خاصیت‌های اسلام بیگانه باشد - یعنی اگر با ظلم و بدی و شرارت به مقابله نپردازد - شاید دشمن مهمی هم پیدا نکند؛ اما اسلام فقط اکتفا نمی‌کند که شعار طرفداری از انسانیت سر دهد، بلکه اسلام برای تحقق این شعار، مبارزه و مقابله با شرارت و شیطانیت را هم سر می‌دهد. در واقع برای این که اسلام بتواند سعادت را برای انسانها محقق کند، باید با عوامل و عناصری که ضد انسانیت و ضد سعادت انسان حرکت می‌کنند و حیانتشان وابسته به آن است، مبارزه کند. لذا در اسلام، جهاد و مبارزه وجود دارد. در سرتاسر قرآن، نام شیطان و مفهوم شیطنت، از بسیاری از مفاهیم، بیشتر تکرار شده است؛ برای این که مردم، شیطان و حضور شیطان را فراموش نکنند. اگر فراموش کردید که دشمن در کمین شماست، غفلت، شما را فرا خواهد گرفت، حرکت را کند خواهد کرد و از بین خواهد برد - یعنی بزرگترین فرصت برای دشمن است - لذا شما ببینید در طول این سال‌های متمادی، هر وقت، هر کسی و هر جا، از دشمنی دشمنان و توطئه مستکبران و دشمنی امریکا و اسرائیل و بقیه مخالفان آزادی و سعادت بشر، سخن گفته است، از سوی تبلیغاتچی‌های جهانی مورد تخطئه قرار گرفته است! آنها می‌خواهند ملت ایران فراموش کند که دشمنی دارد. در سایه این فراموشی است که می‌توانند مردم را به مسائلی کوچکتر، سرگرم کنند و میانشان اختلاف بیندازند. یک ملت و یک جمعیت، وقتی بداند که دشمن در کمین اوست، به مسائل کوچک، به مسائل روزمره و درجه دوم، مشغول نخواهد شد. اگر اختلافی هم دارد، آن را علی‌العجاله کنار می‌گذارد؛ اما وقتی از دشمن غافل شد، مسائل کوچک داخلی، عمده می‌شود؛ اختلافات، بزرگ می‌شود و افراد به جان هم می‌افتند و جناحها تشکیل می‌گردد. این بر اثر غفلت از دشمن است.

عزیزان من! یکی از کارهای مهم دشمن همین است که شما و ما را از وجود خود غافل کند، تا ما دشمن را در میان خود جستجو کنیم و دنبال دشمن در میان خودیها بگردیم! وقتی کسی دشمن بزرگی دارد که در بیرون مرزهای او منتظر فرصت است، هرگز به دشمنان کوچک، به دشمنان خیالی و به دشمنان جناحی توجه نمی‌کند. ما دشمنان بزرگی داریم.

معنا و مفهوم شعار «آزادی» که ملت اسلام و ملت ایران سر می‌دهد چیست؟ آزادی از سلطه زورگویان، آزادی از دخالت و نفوذ بیگانگان، آزادی از دخالت‌های عناصری که هر جا دخالت کرده اند، شر و فساد و بدبختی و حتی فقر و نکبت به وجود آورده اند. شما نگاه کنید به کشورهای که - به اصطلاح - به آنها کشورهای در حال توسعه، یا عقب افتاده، یا کشورهای جهان سوم می‌گویند. کدامیک از آنها توانستند از ناحیه دخالت امریکا، دخالت بانک جهانی، دخالت مراکز و اقطاب سیاسی عالم، طرزی ببندند و کاری نکنند و سعادت برای خودشان درست کنند؟! ملت مستقل و آزاد، آن ملتی است که بتواند روی پای خود بایستد، با امکانات خود کار کند، با اراده خود حرکت کند، با وحدت و با جهتگیری صحیح، با آنچه که به صلاح او، برای او و تأمین کننده آینده اوست، حرکت کند؛ این ملت به جایی خواهد رسید. همچنان که ملت ایران در این نوزده سال واندی که تا امروز از انقلاب عظیم و شکوهمند می‌گذرد، گام‌های بلندی برداشته و کارهای بزرگی انجام داده است. البته ما تا هدف نهایی، خیلی فاصله داریم و خیلی باید تلاش کنیم؛ اما به برکت آزاد شدن از جاذبه مغناطیسی غلط مضرّ بیمارگونه استکبار جهانی، توانستیم به خودمان بپردازیم. چقدر آثار علمی، چقدر شکوفاییها، چقدر حرکت‌های عظیم، چقدر حیثیت و چقدر امید در این ملت به وجود آمد! این ملت زنده شد. بایستی این راه همین طور ادامه پیدا کند.

عزیزان من! در صدر اسلام - در زمان طلوع اسلام - قرآن از کسانی یاد می‌کند که به بعضی از آنها منافق می‌گوید:



«في قلوبهم مرض». اینها در هنگام سختیها وقتی با دشمن مواجه می شوند، بی کاره اند، ترسو، کناره گزین و عافیت طلبند، وقتی که یک ملت در شداید و سختیها قرار می گیرد، از اینها هیچ اثری نیست! «فاذا جاء الخوف رأيتهم ينظرون اليك»، مثل کسی که مرگ در مقابل او قرار گرفته است، به تو نگاه می کنند؛ از مرگ می ترسند! چرا؟ چون خطر را احساس کرده اند. اما وقتی که خطر برطرف می شود، وقتی که دیگر میدان نشان دادن گوهر حقیقی انسان نیست، وقتی که میدان فرصت طلبانه است: «فاذا ذهب الخوف سلقوكم بالسنة حداد اشحة علي الخير!» اینها کسانی هستند که وقتی میدان، میدان نشان دادن گوهر مردانگی است، نشان دادن جهاد و فداکاری است، نشان دادن مجاهدت است، اصلاً پیدایشان نیست! اما وقتی که میدان، میدانی است که خطری - علی الظاهر - آن را تهدید نمی کند، می بینید که زبانیشان بر روی مؤمنان دراز است، زبانیشان روی جوانان بسیجی و روی خانواده های شهدا دراز است. اینها آن نقاطی نیستند که قرآن با چشم تحسین نگاهشان کند. تحسین در قرآن متعلق به کسانی است که وقتی روز شدت است، با شدت می ایستند؛ وقتی روزی است که دشمن، تهدیدی متوجه ملت و کشور کرده است، در صفوف مقدم می ایستند. آن وقتی هم که وقت سازندگی، وقت کار اجتماعی، کار علمی، وقت درس خواندن و وقت تربیت و رشد استعدادهاست، باز در میدانها - میدانهایی که مناسب این کارهاست - با واقع بینی، با نجات و با حلم دنبال این هستند که سودی از آنها به جامعه برسد. خدا را شکر می کنیم که در میان ملت ما انسانهای این گونه زیادند و انسانهای آن چنانی کمند.

من به شما فقط می خواهم این نکته را تأکید و تکرار کنم؛ می خواهم بگویم: ای مردم عزیز آمل! ای مردم شریف مازندران و ای همه ملت بزرگ ایران! کشور شما کشوری است که خدای متعال آن را از نعم مادی و معنوی، سرشار کرده است. استعدادهای این کشور، استعدادهای این آب و خاک و این فرهنگ و این تاریخ، به شماره نمی آید! شما می توانید و شایسته آن هستید که ملتی باشید که ملتهای دیگر از شما الگو بگیرند. در دوران حکومت طاغوتها، موانعی بر سر راه رشد و شکوفایی این استعدادها و پیمودن این راه وجود داشت؛ انقلاب عظیم شما مردم آمد و این موانع را برداشت. اسلام عزیز با نورافکنهای قوی آیات قرآنی، راه را روشن کرده است و شما در این راه، به حرکت درآمده اید و گامهای بلندی برداشته اید. دشمنانی هم در کمین شما هستند. اگر بخواهید می توانید این راه را طی کنید؛ همچنان که تاکنون خواسته اید و بحمدالله توانسته اید. اگر بخواهید این راه را طی کنید، شرط اساسی این است که اولاً وحدت کلمه خودتان را حفظ کنید. ثانیاً از راهنمایی اسلام و قرآن، یک لحظه جدا نشوید. امام عزیز بزرگوار ما به رهنمودهای زمان حیات خود اکتفا نکرد؛ بلکه بعد از رفتن هم این وصیتنامه گرانها را گذاشته است. عزیزان من! اگر شما به وصیتنامه امام نگاه کنید - من به شما جوانان توصیه می کنم که مخصوصاً به این وصیتنامه مراجعه و مکرر نگاه کنید - خواهید دید که از اول تا آخر آن دو نقطه درخشان وجود دارد و آن دو نقطه این است: اول تمسک به اسلام و ارزشها و قیّم اسلامی و استفاده از راهنماییهای اسلام که شما را به سعادت می رساند و راه را نشان می دهد و دوم اتحاد و اتفاق.

دشمن سعی می کند هر کسی را که بگوید «این ملت، دشمنی دارد و دشمنی در کمین اوست»، تخطئه کند! می خواهند این طور وانمود کنند که نه آقا، چه دشمنی؟ کدام دشمن؟ حرفشان این است که شما ملت و این جوانان پاکباخته مؤمن غیور، آسوده خاطر شوید که دشمنی شما را تهدید نمی کند! وقتی جماعتی این طور احساس کردند که در بیرون، هیچ دشمنی ندارند، در درون خودشان دنبال دشمنان کوچک و خیالی و فرضی و جناحی می گردند؛ آن وقت اختلافات به وجود می آید و رشد می کند. نه آقا! این گونه نیست. دشمنان سهمگینی در کمین این ملت و این کشور و این انقلابند. اگرچه همین دشمنان سهمگین هم با همه قدرت ظاهریشان و به فضل پروردگار، تا امروز هیچ غلطي نتوانستند بکنند؛ بعد از این هم به فضل پروردگار نخواهند توانست هیچ غلطي بکنند؛ اما این موجب نمی شود که ما از وجود دشمن، غافل بمانیم.



عزیزان من! توصیه بنده این است که گمان نکنید دشمن، همیشه از مرزهای جغرافیایی می آید - مرزهای جغرافیایی کاملاً بسته است و کسی آن مرزها را نشکسته است - گاهی دشمن از مرزهای فرهنگی می آید و منافذی در مرزهای عقیدتی به وجود می آورد. متوجه آن دشمنان هم باشید. هوشیاری شما، راه را به سوی سعادت این ملت باز خواهد کرد و امیدواریم خداوند متعال، شما جوانان، شما مؤمنین، شما انسانهایی غیور و شما زن و مرد آزاده و رشید و شجاع را موفق بدارد.

من همین مقدار هم امیدوار نبودم بتوانم با شما صحبت کنم. خدا را شکر می کنم که الحمدلله حال من با دیدن شما مردم بهتر شد و توانستم صحبت کنم. به همین اندازه اکتفا نموده و چند دعا می کنم: پروردگارا! به محمد و آل محمد، ما را در خدمت اسلام، زنده بدار و در خدمت اسلام بمیران. پروردگارا! اسلام و مسلمین را سربلند، ملت ایران را پیروز و دشمنانش را منکوب کن. ارواح طیبه شهدا را در اعلیٰ علیین، مشمول رحمت خود قرار بده. امام الشهدا را با ائمه معصومین محشور فرما. پروردگارا! این ملت را در راه خودش موفق و مؤید کن. وحدت و اتفاق را میان این ملت، روزبه روز مستحکم تر کن. اسلام عزیز را روزبه روز در میان این ملت، زنده تر و سرافرازتر گردان. پروردگارا! همه مسلمانان جهان را با اسلام زنده بدار، آنها را در خدمت اسلام قرار بده و نعمت حیات طیبه اسلامی را به همه امت اسلامی عنایت فرما.

پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود کن. ما را مشمول ادعیه زاکیه طیبه طاهره آن بزرگوار قرار بده. پروردگارا! به ما نعمت بزرگ زیارت آن بزرگوار را عنایت کن. ما را در حضور و غیبتش، از سربازان حضرتش قرار بده. مرگ ما را جز به شهادت در راه خودت قرا مده. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته